

Qur'anic Interpretation and language

ORIGINAL ARTICLE

The Part of Siyaq in Content Analysis of Otherworldly Ezaieyeh Surahs (by Emphasis on Verbal Continuous Signs Based on Tafsir al-Mizan and Fi Zilal al- Qur'an)

Nilofar Hossini Tarkani¹, Seyedeh Fatemeh Hashemi^{2*}, Ahmadreza Ghaei³

¹Ph.D. Student, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

²Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

³Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Correspondence

Seyedeh Fatemeh Hashemi

Email: Dr.fat.hashemi@gmail.com

How to cite

Hossini Tarkani, N., Hashemi, S.F., & Ghaei, A. (2023). The Part of Siyaq in Content Analysis of Otherworldly Ezaieyeh Surahs (by Emphasis on Verbal Continuous Signs Based on Tafsir al-Mizan and Fi Zilal al- Qur'an). *Journal of Qur'anic Interpretation and language*, 11(2), 25-37.

ABSTRACT

The aim of this study is the part of Siyaq in content analysis of otherworldly Ezaieyeh five Surahs (Al-Waqi'ah, At-Takwir, Al-Infitar, Al-Inshiqaq- Az-Zalzalah) which is arranged to learn more about understanding the verses, divine warnings in the verses of these Surahs in the matter of the resurrection, and the judgement day. The overview, in terms of content of these Surahs, defines all of them have similarity and common structure in the first verse with conditional Eza, mention of definitive condition answer, concept coincidence of some shared words, and the meaning and aim of each Surah, containing of belong description of Eza, condition answer of the Surahs, and in terms of subject. The part of Siyaq, considering the content signification of words, and special paraphrase of verses, generally is included the threat of Doomsday denier which is mentioned as threat, and emphasis and use of special paraphrases, questions, proper oaths with strong reasons, to emerge the important aim of Surahs revelation, which is divine guidance in proof of Doomsday, and returning of deniers to Almighty God, and punishment notice.

KEYWORDS

Content Analysis, Siyaq, Otherworldly Ezaieyeh Surahs, Otherworldly Ezaieyeh Surahs, Tafsir al-MizanT, Tafsir Fi Zilal al- Qur'an.



دوفصلنامه علمی

پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

«مقاله پژوهشی»

نقش سیاق در تحلیل معنایی سور اذائیه اخروی با تأکید بر قرائن پیوسته لفظی (با محوریت تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن)

نیلوفر حسینی ترکانی^۱، سیده فاطمه هاشمی^{۲*}، احمدرضا غایی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش و کارکرد مؤلفه سیاق در تحلیل معنایی پنج سوره اذائیه اخروی «واقعیه، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزال» به منظور شناخت بیشتر فهم آیات و هشدارهای الهی در آیات این سور در موضوع قطعیت وقوع قیامت و حقانیت حسابرسی اخروی تنظیم شده است. بررسی اجمالی از حیث ابعاد معنایی و محتوایی سور مذکور معلوم می‌دارد که هر پنج سوره، دارای ساختار مشترک در مطلع آیه آغازین با اذای ظرفیه شرطیه، ذکر جواب شرط قطعی الوقوع (به صیغه ماضی) مطابقت مفهومی و مصداقی برخی واژگان مشترک، هماهنگی مضامین هر سوره با اهداف آن، و مشتمل بودن توصیفات مربوط به متعلقات اذای و جزای شرط در این سور، غالباً از حیث مضمون مشابهت دارند. این امر علاوه بر دلالت تناسب آیات این سوره‌ها، به نوعی ارتباط معنادار محتوایی آن‌ها را دربر می‌گیرد. نقش سیاق با توجه به دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاص آیات این سوره‌ها (با تطبیق بر آراء تفسیری علامه طباطبایی و سیدقطب)، عموماً مشتمل بر توبیخ و تهدید و انذار منکران قیامت و حسابرسی روز جزاست که گاه با لحن تهدید و انذار و گاه همزمان با لحن تنبیه و تأکید و استعمال تعابیر خاص و استفهامات و سوگندهای متناسب و در همراهی با استدلالات محکم در قالب برهان مطرح شده تا هدف مهم معرفتی برگرفته از نزول این دسته از سور که همانا ارشاد الهی در اثبات حقانیت وقوع قیامت و بازگشت منکران بعث و حسابرسی به‌سوی حق و نیز هشدار نسبت به کیفر و پاداش اخروی است، به‌طور ثمربخشی متجلی گردد.

واژه‌های کلیدی

تحلیل معنایی، سیاق، سور اذائیه اخروی، تفسیر المیزان، تفسیر فی ظلال القرآن.

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

سیده فاطمه هاشمی

رایانامه: Dr.fat.hashemi@gmail.com

استناد به این مقاله:

حسینی ترکانی، نیلوفر. هاشمی، سیده فاطمه و غایی، احمدرضا. (۱۴۰۲). نقش سیاق در تحلیل معنایی سور اذائیه اخروی با تأکید بر قرائن پیوسته لفظی (با محوریت تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن)، دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۱(۲)، ۲۵-۳۷.

<https://quran.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

شناخت محتوا و ارتباط دسته‌ای از سوره‌ها همچون سور اذائیه، در حیطه مبحث فواتح سور، از این جهت برای پژوهشگران حوزه علوم قرآنی مهم است که علاوه بر فهم تناسب آیات، می‌تواند شامل حقایق والایی جهت درک بیشتر مخاطبان این سور باشد.

«سور اذائیه»، هفت سوره از قرآن کریم شامل «واقعه، منافقون، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزال و نصر» هستند که به جهت آغاز با «اذا»ی ظرفیه شرطیه، به این نام مشهورند. این سوره‌ها، موضوعات مختلفی را شامل می‌شوند، لیکن پژوهش حاضر به منظور تحلیل معنایی پنج سوره اذائیه مشهور به سور اذائیه اخروی شامل: «واقعه، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزال» به بازخوانی و مرور سیاق آیات این پنج سوره، با تأکید بر قرائن پیوسته لفظی این سوره‌ها می‌پردازد.

تحلیل معنایی سور اذائیه اخروی در چند بُعد شامل: توجه به مطلع مشترک اذا و متعلق آن، توجه به فضای نزول هر سوره، شناخت اهداف سوره و بررسی هماهنگی مضامین آیات هر سوره با اهداف آن، و توجه به سیاق آیات در هر سوره قابل بررسی است.

در این مقاله، ضمن اشاره گذرا به ابعاد مهم تحلیل معنایی فوق‌الذکر، با بازخوانی سیاق آیات آغازین هر یک از این سور اذائیه (با تأکید بر قرائن پیوسته لفظی) و تطبیق همین موارد، با دیگر آیات همان سوره، با استناد به آراء معتبر تفسیری، نقش سیاق در تحلیل معنایی این پنج سوره بررسی می‌شود.

در مرور مطالعاتی پیرامون مسأله مورد نظر به دست می‌آید که مفسران و صاحب‌نظران حوزه علوم قرآنی پیرامون تفسیر هر یک از سور اذائیه به تفکیک، جستارها و مقالات مفید علمی و مطالعات موردی در زمینه‌های ساختارشناسی، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی برخی از سور اذائیه، نگاشته‌اند. به عنوان نمونه: پژوهشی با عنوان «پیوستگی‌های شبکه‌ای سور اذائیه مکی» توسط نسرین الیاسی‌فر، به راهنمایی دکتر عبدالمجید طالب-تاش که با روش توصیفی تحلیلی، مشخص کرده که این سوره‌ها دارای پیوستگی‌های ساختاری و ادبی شامل حسن آغاز، سجع، تشبیه، تصویرپردازی‌های ادبی، لحن و ریتم مشترک بوده و ضمن برخورداری از نظم آهنگ مشابه، دارای آیات نظیر از جهت شکلی و محتوایی هستند که پیوستگی شبکه‌ای آن‌ها را به لحاظ ساختارشناسی تقویت می‌کند. لیکن پژوهشی که به طور خاص به تحلیل معنایی کلیه آیات این پنج سوره اذائیه اخروی، صرفاً در محدوده قرینه لفظی سیاق در حوزه تفسیری (با روش تفسیر قرآن به قرآن) در راستای فهم

دلالت‌های معنایی مجموع این پنج سوره، اهتمام داشته باشد، یافت نشد. از این رو به نظر می‌رسد رویکرد این مقاله از آنجایی که صرفاً به بررسی سیاق زبان‌شناختی، ادبیاتی، بلاغی و اصولی و پیوستگی‌های شبکه‌ای در حوزه ساختارشناسی در این دسته از سور نمی‌پردازد، می‌تواند جنبه نوآوری آن محسوب شود.

تعریف سیاق، اقسام و قرائن آن

یکی از مهم‌ترین دانش‌های مربوط به فهم زبان عربی در تبیین مفاهیم قرآنی، که به طور مستقیم در تحلیل دلالت‌های معنایی و تفسیری آیات و سور قرآنی و تعیین آن به کار می‌رود، بحث سیاق و قرائن آن اعم از قرائن کلامی و قرائن حالیه است. زیرا تصویری منسجم از تحلیل معنایی در تناسب و ارتباط آیات هر سوره به خصوص مجموعه سوره‌هایی چون سور اذائیه اخروی به دست می‌دهد.

سیاق در لغت به معنای راندن و به حرکت درآوردن و سوق دادن چهارپایان است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۱۷/۳) در باب معنای اصطلاحی سیاق، علمای فقه، اصول و تفسیر با اینکه فراوان از سیاق یاد کرده و آن را مورد استناد قرار داده‌اند، لیکن بیشتر آنان تعریف دقیقی از آن ارائه نکرده‌اند. با توجه به موارد استعمال سیاق در میان مفسران و اصولیان و ادیبان، می‌توان گفت که سیاق در اصطلاح عبارت است از نوع چپش کلمات یک جمله و پیوند آن با جمله‌های پیشین و پسین و محتوای کلی برآمده از آن؛ یعنی کیفیت قرارگرفتن یک لفظ در یک جمله و جایگاه آن و پیوند خاص میان مفردات یک جمله و جمله‌های قبل و بعد به گونه‌ای که بتوان از آن معنایی کشف کرد که از مفهوم آیه، آشکارا به دست نمی‌آید، بلکه از لوازم عقلی آن است. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۹/ شهید سید محمدباقر صدر (ره) نیز در صدد تعریف برآمده و سیاق را در معنای اصطلاحی آن، هرگونه قرینه‌ای می‌داند که با الفاظ و عبارات مورد بحث مرتبط باشد. به اعتقاد شهید صدر، سیاق یا شامل همه قرائن لفظیه مانند کلماتی است که با الفاظ مورد بحث، یک کلام را بهم مرتبط می‌سازند، یا شامل قرائن حالیه است، که بیانگر شرایط و فضای محیط بر کلاماند و واجد دلالتی در موضوع هستند. به عبارت دیگر مقصود شهید صدر از سیاق هرگونه دلایل دیگری است که به الفاظ و عباراتی که مقصود فهم است، پیوند خورده‌است، خواه از مقوله الفاظ است مانند کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند و خواه قرینه حالی است، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع

و احوال مطرح شده است و در موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارد (صدر، ۱۳۰).

سیاق بر دو قسم است: سیاق کلامی و سیاق حالیه. قرائن سیاقی نیز بر دو قسم است: پیوسته و ناپیوسته. قرائن پیوسته قرائنی هستند که به کلام، پیوسته و مرتبط هستند که خود بر دو دسته‌اند: قرائن پیوسته لفظی که همان جملات و عبارات و تعبیر مطرح شده در کلام هستند؛ و قرائن پیوسته غیرلفظی که مهم‌ترین آن‌ها در قرآن، شامل: فضای نزول (از حیث اسباب‌النزول)، شأن نزول، فرهنگ و شرایط حاکم بر عصر نزول و نیز زمان و مکان نزول است. قرائن پیوسته غیرلفظی، از سوی دیگر شامل: فضای سخن از حیث ویژگی‌های متکلم و ویژگی‌های مخاطب و ویژگی‌های کلام و موضوع آن از حیث مقام سخن و لحن آن است. قرائن ناپیوسته، قرائنی جدای از کلام و در عین حال دارای تأثیر زیاد در تکمیل و تبیین فهم کلام‌اند. مهم‌ترین قرائن ناپیوسته در تحلیل معنایی و تفسیری قرآن، بهره از تفسیر آیات با آیات دیگر، تفسیر آیات با روایات معتبر، تفسیر و تبیین آیات با مبانی تدبیر عقلانی و ضرورت کاربرد هدایتی تشریحی قرآن است (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

خلقت انسان، ضبط و ثبت دقیق همه اعمال انسان، تقسیم‌بندی انسان‌ها به دو گروه نیکان و بدکاران، عظمت روز قیامت و حسابرسی دقیق اعمال انسان در قیامت است (همان‌منبع: ۳۴۲).

سوره «إنشقاق» مکی‌النزول، مشتمل بر ۲۵ آیه، پیرامون حوادث هولناک و تکان‌دهنده پایان جهان و شروع قیامت، مسأله رستاخیز و حساب اعمال نیکوکاران و بدکاران و فرجامشان، معرفی بخشی از اعمال و اعتقادات مشمول عذاب و کیفر الهی و اشاره به مراحل سیر انسان در مسیر زندگی دنیا و عقبی است (همان‌منبع: ۳۸۵).

سوره «زلزال» بنا بر نظر برخی مفسران مدنی‌النزول و به اعتقاد برخی دیگر مکی‌النزول، مشتمل بر ۸ آیه، پیرامون قیامت و زنده شدن مردم برای حساب، اشاره‌کننده به زلزله ترسناک پایان دنیا و وصف علامات آن، بیرون افکنده شدن تمامی بارهای زمین، برانگیخته شدن انسان‌ها به صورت گروه‌های مختلف از درون قبرها، بازگویی تمامی اخبار زمین، حقیقت حساب و کتاب دقیق اعمال انسان‌ها و شیوه حسابرسی دقیق اعمال در قیامت است (همان‌منبع: ۲۷/۲۱۹).

ابعاد مهم تحلیل معنایی سوره اذائیه اخروی

مهم‌ترین ابعاد تحلیل معنایی این دسته از سوره در ابعادی همچون: توجه به مطلع مشترک اذا و متعلق آن، توجه به فضای نزول و مکی یا مدنی بودن هر سوره (از مهم‌ترین قرائن پیوسته غیرلفظی)، شناخت اهداف سوره، بررسی هماهنگی مضامین آیات هر سوره با اهداف آن و توجه به نقش مؤثر سیاق آیات (با تکیه بر قرائن پیوسته لفظی) در هر سوره است. در این مقاله تأکید بر نقش مؤلفه مهم و کاربردی سیاق به طور خاص، قرائن پیوسته لفظی به‌عنوان قرینه و گواه و مرجع در تحلیل معنایی آیات سوره اذائیه، به تفکیک، بررسی شده‌است و دیگر ابعاد، صرفاً به شکل اجمالی اشاره می‌گردد.

– توجه به مطلع مشترک اذا و متعلق آن

در تحقیقات قرآنی، مطلع مشترک یا سرآغاز سوره‌ها یکی از ملاک‌های حائز اهمیت در تشخیص معیار گروه‌بندی سوره‌هاست، از این‌رو سوره‌هایی از قرآن که دارای سرآغاز مشابهی هستند، در قالب یک گروه جای می‌گیرند که از ارتباط و انسجام ساختاری و محتوایی برخوردارند (سیوطی، ۱۳۶۳: ۲/۳۳).

آغاز جمله با اذا که ظرف زمان و ادات شرط است و از آنجایی که معنای جمله را- مخصوصاً زمانی که، فعل بعد از

معرفی سوره اذائیه اخروی

از میان هفت سوره مشهور به اذائیه شامل: «واقع، منافقون، تکویر، انفطار، إنشقاق، زلزال و نصر»، که با اذای ظرفیه شرطیه آغاز می‌شوند، پنج سوره، به دلیل محتوای اخروی مشترک به‌عنوان سوره اذائیه اخروی در نظر گرفته می‌شوند. مرور اجمالی بر محتوا و مضامین این سوره به‌قرار زیر است:

سوره «واقع» مکی‌النزول، مشتمل بر ۹۶ آیه، پیرامون وقوع حتمی قیامت، تقسیم‌بندی انسان‌ها در صحرای محشر به سه گروه و متفاوت بودن فرجامشان، اشاره به برخی از علوم و احکام شامل وجوب وضوء و طهارت، اشاره به معاد و شرح مسائل مربوط به روز قیامت، تسبیح و تقدیس و تنزیه خداوند است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۲۶/۲۴).

سوره «تکویر» مکی‌النزول، مشتمل بر ۲۹ آیه، پیرامون تغییراتی در جهان خلقت در آستانه قیامت، عظمت و اعتبار تعالیم قرآن، اخطار و هشدار به انسان در مورد گمراهی، مشاهده اعمال در روز قیامت و اراده مطلق خداوند است (همان‌منبع: ۲۶/۳۱۷).

سوره «انفطار» مکی‌النزول و مشتمل بر ۱۹ آیه، پیرامون موضوعات عجز و ناتوانی انسان در برابر قدرت الهی، کیفیت

سوم و چهارم هجرت در مدینه بوده، لذا سوره «انسان» مدنی است. از این روی، برطبق روایات ترتیب، مدنی بودن سوره «زلزال» محتمل تر می‌نماید (ابولفتوح رازی، ۱۳۷۱: ۳۶۸/۲۰). سیوطی نیز در *تناسق الدرر فی تناسب السور*، علی‌رغم ساختار شکلی و محتوای مکی و لهجه تند، مدنی بودن این سوره را، ترجیح می‌دهد (سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۵۴/۱).

اما، گزارش‌هایی نیز درباره مکی بودن سوره آمده‌است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۸۷۳/۴) این‌عاشور بر مکی بودن این سوره اصرار دارد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۴۸۹/۳) دروزه نیز مکی بودن این سوره را محتمل تر می‌داند (دروزه، ۱۴۰۴: ۱۴۹/۷) این سوره از نظر ابن‌عبّاس و قتاده، مدنی و از نظر ضحاک و عطاء، مکی است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶۱۲/۱۰). اغلب مفسران، از جمله محمدهادی معرفت، مدنی بودن آن را مشهور و احتمال صحیح بودن آن را بیشتر می‌دانند (معرفت، ۱۳۷۱: ۱۶/۱). لذا سوره «زلزال» به اعتقاد اغلب مفسران و بنا بر قول ارجح، مدنی-النزول محسوب می‌شود.

• اسباب‌النزول سوره‌ها

آگاهی از فضای نزول سوره، از حیث سبب نزول آیات موجب رفع ابهام از ظرایف موجود در برخی آیات شده و درک درست معنای آیاتی که در پی طرح سوال یا شبهه‌ای نازل شده را واضح می‌سازد. هرچند سبب نزول، تنها در صورتی معتبر است که مؤید به روایات صحیح و معتبر باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۰/۳).

در تفسیر طبرسی و اسباب‌النزول واحدی، سبب نزول خاصی برای چهار سوره اذائیه «واقععه، تکویر، إفتار و إنشقاق» ذکر نشده‌است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۲۴/۹). به اعتقاد سیوطی نیز هر سوره‌ای دلیل نزول خاصی ندارد و برخی سوره‌ها و آیات برای چندین منظور نازل شده‌اند، بدون این‌که به موقعیتی خاص مرتبط شوند که نزول آن‌ها را ضروری کند (سیوطی، ۱۴۱۲: ۵۸۹، ۶۵۶ و ۶۵۷).

با توجه به محتوای آیات، هدف از نزول این سوره‌ها، روشن‌گری، تصویرسازی و تبیین وحشت روز قیامت است، به-گونه‌ای که مخاطبان از آن مواقف و رویدادها به منظور عبرت‌پذیری آگاه شود (ابن‌عاشور، ۱۹۷۴: ۲۲۱/۳۰).

روایت چند سطر قبلی از ابن ابوحاتم از سعیدبن جبیر را مقاتل بن سلیمان نیز نقل کرده که بر سبب نزول سوره الزلزال دلالت دارد (ابولفتوح رازی، ۱۳۷۱: ۳۶۸/۲۰).

– شناخت اهداف و بررسی هماهنگی آن با مضامین

«اذا» در زمان ماضی بکار رفته‌باشد. به‌معنای زمان مستقبل می‌برد، مخاطب را بر شنیدن و دقت بیشتر جهت دریافت مقصد پیام و آگاهی از خبر آورده شده، مشتاق‌تر نموده و تأثیر بیشتری خواهد داشت؛ گوینده متن، از وقوع حتمی و قطعی حادثه یا موضوعی خبر می‌دهد و مخاطب در جواب «اذا» به آن خبر پی می‌برد (سیوطی، ۱۳۶۳: ۳۳۵/۲).

– توجه به فضای نزول و مکی یا مدنی بودن سوره اذائیه اخروی (مهمترین قرائن پیوسته غیرلفظی)

توجه به فضای نزول آیات در سایه شناخت مکی یا مدنی-النزول بودن سوره‌ها و نیز توجه به اسباب‌النزول آیات هر سوره از قرائن مهم در مبحث سیاق است و یکی از ابعاد مؤثر در فهم قرآن و کاربرد تحلیل معنایی سوره‌هاست:

• مکی یا مدنی‌النزول بودن سوره اذائیه اخروی

سوره «واقععه» هم در ظاهر و هم طبق تصریح مفسران در مکه بر رسول خدا (ص) نازل شد (سیوطی، ۱۴۱۲: ۵۸۹) علامه طباطبایی این سوره را به‌شهادت مضمون و سیاق آیتش مکی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۹۵) هرچند زمخشری معتقد است آیه ۸۱ و ۸۲ در مدینه نازل گردیده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۴۵۵)

سوره «تکویر» و «إنفطار» و «إنشقاق» نیز به اتفاق مفسران از سوره‌های مکی هستند (سیوطی، ۱۴۱۲: ۵۸۹ و ۶۵۶، ۶۵۷، طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۰/۶۵۵ و ۶۷۹؛ بحرانی، ۱۳۸۹: ۲۸۱/۱؛ دروزه، ۱۴۲۱: ۵/۴۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۴۰۰).

بر اساس روایات سبب نزول و علائم صوری و محتوایی، از پنج سوره اذائیه اخروی، چهار سوره «واقععه، تکویر، إنفطار، إنشقاق»، مکی‌النزول هستند، لیکن در مکی یا مدنی بودن سوره «زلزال» اختلاف است.

سیوطی روایتی از ابن ابوحاتم از سعیدبن جبیر در *الإتقان* نقل کرده است که: «چون خدای پاک، آیه هشتم سوره «انسان» را نازل کرد، گروهی از مسلمانان پنداشتند هرگاه در راه خدا چیزی اندک ببخشند، پاداش داده نمی‌شوند و عده‌ای می‌اندیشیدند به‌سبب ارتکاب گناهان کوچک، توبیح و سرزنش نمی‌شوند و مدعی بودند که خدا تنها به سبب گناهان کبیره آنها را به دوزخ می‌اندازد و بس. پس آیه ۷ و ۸ سوره «زلزال» نازل شد» (سیوطی، ۱۴۱۲: ۶۷۳).

از سوی دیگر مفسران شیعی و سنی بر این باورند که سوره «انسان» در شأن علی (ع)، فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) نازل شده و از آنجا که ولادت حسنین (ع) در سال‌های

آیات هر سوره

در همه سوره‌ها اذاتیته اخروی، هدف مشترکی را با اندکی اختلاف در مضامین و لحن، می‌توان دریافت کرد که آن «انذار دادن انسان‌ها نسبت به حوادث سخت قیامت و ایجاد روحیه تربیتی مراقبه و خودحسابرسی قبل از مرگ» است. پیامبر اسلام (ص) نیز فرموده‌اند: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَ زَنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُؤْزَنُوا، وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ» (حرعاملی، ۱۴۲۷: ۹۹/۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۳/۶۷).

از آنجایی که موضوع اصلی و مشترک هر پنج سوره، هشدار به انسان و تنبیه اوست (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۸۰/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۸: ۳/۳۶۲)، توجه به اهداف و هماهنگی یافت‌شده مضامین آیات در این تنبیه و هشدار، توجه مخاطب را به سیاق آیات، معطوف می‌کند.

کاربرد سیاق در تحلیل معنایی سوره اذاتیته اخروی

تحلیل معنایی نزد علمای اسلامی معاصر به اعتبار هدف اصلی دانش، به سمت مراد متکلم گرایش دارد نه گیرنده و مخاطب کلام. لذا در تفاوت سیاق و کارکرد آن نزد علمای تفسیر و علمای علم بلاغت روشن می‌شود که در دیدگاه مفسران، با تأمل و تحلیل نظری دقیق در سیاق آیات قرآنی می‌توان به نقش سیاق و برخی دلالت‌های معنایی واقعی متکلم رسید. درحالی‌که خواستگاه علمای بلاغت در دلالت کلام بیشتر تکیه بر اقتضاء حال و مقام مخاطبان است (عوا، ۱۳۸۲: ۸۲).

هرچند معمولاً جایگاه سیاق در مبحث الفاظ مطرح می‌شود، لیکن در اصطلاح اهل ادب، به نحوه جمله‌بندی برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات، سیاق گفته می‌شود. به گونه‌ای که گاهی افزون بر معنای هریک از کلمات یا جملات، معنای دیگری نیز برای جمله متصور می‌شود. لذا برخی، از سیاق لفظ یا سیاق تعابیر، یا بافت سیاق جمله یا بافت کلام نیز بحث می‌کنند (همان منبع: ۷۸ و ۸۲).

استفاده از سیاق، نزد علمای تفسیری در دوران معاصر، بیشتر در تفاسیر قرآن به قرآن دیده می‌شود که مفسران، از راه سیاق و با تبیین لایه‌های معنایی، سعی در احیاء مقاصد و رازهای پنهانی آیات دارند و علامه طباطبایی از معاصرین، بیش از سایرین به جایگاه مختلف سیاق در تفسیر قرآن کریم توجه داشته‌اند.

در این مقاله که توجه به سیاق در الفاظ یا تعابیر خاص در آیات سوره اذاتیته اخروی و نقش آن در جهت‌گیری آیات، به‌عنوان یکی از ابعاد مؤثر در تحلیل معنایی کاربرد دارد، منبع

اصلی در کاربرد سیاق در محدوده مورد نظر، مراجعه به تفاسیر معتبری است که به‌طور خاص با روش تفسیری قرآن به قرآن به سیاق آیات اهتمام داشته‌اند (نظیر تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر فی ظلال القرآن سیدقطب).

لازم به ذکر است که منظور از سیاق در این مقاله به‌هیچ عنوان، سیاق ادبیاتی و بلاغی و اصولی و زبان‌شناختی نیست. چراکه نقش مهم سیاق، نه تنها در سیاق آیه و آیات، بلکه در تناسب آیات و سوره و دلالت معنایی واژگان و تعابیر نیز می‌تواند راه‌گشا باشد. هرچند در صورتی که دلایل متقن‌تری از سیاق در کار باشد، مانند شکست سیاق یا وجود روایات قطعی صادره از معصومین (ع) برخلاف سیاق ظاهری، در این صورت، ترجیحی بر استفاده از سیاق نیست؛ چراکه سیاق، بیش از آن که دلیل باشد، گواه و مؤید و مرجح است (ایزدی مبارکه، ۱۳۷۶: ۲۲۴ - ۲۲۶، باتصرف).

با وجودی که استفاده از سیاق کلام، کاری ذوقی به‌نظر می‌رسد و هر کسی می‌تواند با توجه به برآیند کلام به نتایج خاصی برسد، لیکن استفاده از سیاق در فهم آیات، مستلزم احتیاط کامل و اندیشه و انطباق بر ضوابط معینی است تا مخاطب، ذوق و سلیقه خود را بر آیه قرآن تحمیل نکرده و در دام تفسیر به‌رأی گرفتار نیاید.

– نقش سیاق (قرائن پیوسته لفظی) در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاص سوره «واقع»

باتوجه به محتوا و الفاظ و تعابیر خاص سوره «واقع»، آنچه در نمای کلی تفاسیر مشهود است، به‌نظر می‌رسد جهت‌گیری کلی آیات سوره، بیشتر بر سیاق اعلام، توبیخ، تهدید، انذار و تنبیه نسبت به منکران معاد و حسابرسی اعمال انسان‌ها در قیامت، با اشاره به احوال دسته‌های مردم و سرنوشت آنان منطبق است (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱۵۵/۶).

• ترسیم و بیان حوادث طبیعی در آستانه قیامت (تنبیه و هشدار)

آیات ۱ الی ۶ سوره «واقع» اشاره به حوادث هول‌انگیز قیامت دارد. این سوره که با اذای ظرفیه شرطیه آغاز شده، باتوجه به سیاق آیات بعدی، جزای محذوف (در بیان اوصاف قیامت و نحوه کیفر یا پاداش آن روز) دارد. آیه اول، بر معنای شرط هم‌دلالت دارد، دلیل حذف جزاء اینست که: اولاً کیفیت این جزا از سیاق آیات بعدی فهمیده می‌شود، ثانیاً مبین عظمت واقعه‌ای است که به بیان نمی‌گنجد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۹۶).

از آیات ۱۱ تا پایان ۵۶، مفصلاً به بیان صنوف سه‌گانه مردم و سرانجام و جایگاه آنان در قیامت می‌پردازد. بیان وصفی اوضاع ممتاز گروه اول (سابقون)، آیات ۱۱ تا پایان آیه ۲۶ که به قرینه واژه "مقربون"، رتبه و شأن و درجات والای این گروه بیان می‌شود. آیات ۱۲، ۱۳ و ۱۴ نیز به جایگاه و موقعیت "سابقون" می‌پردازد (طباطبایی، همانجا: ۱۹۸-۱۹۹).

الف) از آیه ۱۵ تا پایان ۲۶، روند قرآنی تغییر کرده و ضمن شرح و بسط نعمت‌های بهشتی، به نحوه پذیرایی و فضای مسرت‌بخش سابقون در بهشت می‌پردازد که با توجه به سیاق آیات و تعابیر آن، جملگی بر بیان مدح منعقد است (سیدقطب، همانجا: ۱۵۹؛ طباطبایی، همانجا: ۲۱۰).

در آیه ۲۴، کاربرد کلمات «جزاء» و «یعملون» در کنارهم، بیانی از جنس تبشیر و تحریض است برای مدح "سابقون" و تشویق مؤمنان؛ چراکه تعلیل و تأکیدی است برای همه پادشاه‌های ذکر شده در آیات قبلی جهت مدح گروه "سابقون". سیاق آیات ۲۵ و ۲۶ با اشاره به فضای حاکم بر گفتگوی "سابقون" در بهشت که جز سلام و درود و خیر، چیزی نیست، همان تحریض به نظر می‌رسد (طباطبایی، همانجا: ۲۰۴). چراکه به اعتقاد علامه، "مقربون" بلند مرتبه‌ترین طبقات اهل سعادتند. زیرا با نظر سیاق آیات که نخست مردم را سه قسم می‌کند، و سپس مآل و کار هر یک را به تفصیل شرح می‌دهد سازگارتر و موجه‌تر است (طباطبایی، همانجا: ۲۰۶).

ب) بیان تفصیلی گروه دوم (اصحاب‌المیمنه یا اصحاب‌الیمین) از آیه ۲۷ تا پایان آیه ۴۰، بیان نعمت‌های صاحبان میمنت با این ساختار را، با پرسشی مفید بزرگداشت و عظمت این گروه همراه می‌کند که بر سیاق مدح صاحبان میمنت دلالت دارد (سیدقطب، همانجا: ۱۵۹) از این‌جای سوره به بعد تا پایان آیه ۵۶، لحن سوره تغییر می‌کند.

ج) بیان تفصیلی گروه سوم (اصحاب‌المشأمه یا اصحاب شمال) از آیه ۴۱ تا پایان آیه ۵۶ را دربر می‌گیرد که جملگی بیان تهدید و تحکم و انذار است. در آیات ۴۵ تا ۵۰ این سوره، علت عذاب اصحاب‌الشمال بیان شده است. چراکه بر طبق سیاق، اصرار بر "حنث عظیم" در آیه ۴۶، عبارت است از اینکه این گروه از پرستش و بندگی پروردگار خود استکبار دارند. عبادتی که بر حسب فطرت و در عالم ذر بر طبق آن میثاق داده بودند. لیکن در عین سپردن چنین پیمان فطری، غیر پروردگار خود را اطاعت می‌کنند، این پیمان، شرک مطلق

همچنین سیاق کلمه «اذا» در آیه اول، با دلالت کلمه «واقعه»، به دلیل این‌که فعل ماضی «وَقَعَتْ» بعد از «اذا»ی ظرفیه شرطیه، ظهور در استقبال دارد، اقتضای این ظهور بر خبری در مضمون آیه دال بر امر مهمی است که هنوز رخ نداده، لیکن به‌زودی رخ خواهد داد که تأکیدی بر وقوع واقعه قیامت کبری است (طباطبایی، همانجا).

در آیات ۳ الی ۶ که حوادث هول‌انگیز قیامت را تصویرسازی می‌کند، به‌نظر می‌رسد که لحن و آوای کلام بر تأکید و هشدار و تنبه، منطبق است. با استناد بر کاربرد دو کلمه «خافضه» و «رافعه» که به صورت اسم فاعل در تضاد و تقابل با یکدیگر با تبیین دگرگونی نظم در نظام عالم، دلالت بر اهمیت و تأکید بیشتری بر این تنبه و هشیاری می‌کند (طباطبایی، همانجا: ۱۹۷).

این دو واژه، توصیفی بر بیان شدت نیز هست؛ چراکه رخدادهای بزرگ چنین‌اند و در آن‌ها جایگاه و موقعیت برخی بالا می‌رود و گروهی دیگر خوار می‌شوند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۵۸/۴).

• بیان سه گروه مردم در روز قیامت، به تناسب آثار و جزاء عمل ایشان (سیاق هشدار)

آیات ۷ تا پایان آیه ۵۶، در بخش‌بندی محتوای سوره در دسته دوم جای می‌گیرند؛ دسته دوم نیز به سه بخش دیگر که بر حالات و سرنوشت سه دسته مردم در قیامت اشاره می‌کند قابل تقسیم است:

آیات ۷ تا انتهای آیه ۱۰، بر علامت و حادثه مهم دیگری در روز، یعنی دسته‌بندی اصناف آدمیان بر اساس نتیجه عملکرد دنیوی آنان دلالت دارد. شامل:

دسته اول: معرفی اجمالی گروه اصحاب‌المیمنه (بیان وصفی تشویق و تبشیر اهل سعادت) (آیه ۸)

دسته دوم: معرفی اجمالی گروه اصحاب‌المشئمه (بیان وصفی توبیخ اهل شقاوت) (آیه ۹)

دسته سوم: معرفی اجمالی گروه سابقون (بیان تأکیدی وصفی برمدح و منزلت سبقت‌گیرندگان بر خیرات) (آیه ۱۰)

بعد از معرفی اجمالی دسته اول و دوم در همراهی با عبارت استفهام، معرفی و ذکر انواع نعمات دسته سوم در هماهنگی کامل با عقل و شعور مخاطب توصیف می‌شود (سیدقطب، همانجا: ۱۵۷).

• تفصیل حالات و جایگاه صنوف سه‌گانه مردم در روز قیامت

آیات موجود است. این استدلال در ظرافت بشارت مذکور، مشمول نزول آب گورا، خلقت، گرمابخشی و رزاقیت آتش در این دسته از آیات است (سیدقطب، همان‌جا: ۱۶۹-۱۷۰).

• التفات به مخاطب قراردادن پیامبر (ص) با دستور به تسبیح الهی (ارشاد)

آیه ۷۴ این سوره، بیان ارشادی و تنبیهی و نیز تأکیدی است که بعد از ذکر آن همه حقیقت در قالب تعبیرات زیبا و ساده که به درون جان‌ها و دل‌ها نفوذ می‌کند، به جنبه ربوبیت و عظمت خدا روی کرده‌است (سیدقطب، همان‌جا: ۱۷۱).

• استدلال بر رد ادعای منکران معاد با تأکید بر اسرار ستارگان و قطعیت صدور قرآن (تنبیه)

دسته بعدی آیات از آیه ۷۵ تا پایان ۸۲ شامل تأکیدات مکرر در همراهی با سوگندهای مختلف بر بیان توبیخ تنبیهی دلالت دارد که مفید قطعی تصدیق و باور عقلی به حقانیت مطالب قرآن و صدور آن از ناحیه ذات الهی است (سیدقطب، همان‌جا: ۱۷۳). هرچند قطعیت صدور قرآن در جمله "إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ" در آیه ۷۶ در مقام مدح و جواب قسم سابق است، چراکه ضمیر آن به قرآنی که از سیاق استفاده می‌شود برمی‌گردد، از توصیف خدای تعالی قرآن به لفظ کریم و بدون هیچ قید و به‌طور مطلق، کریم و محترم است. لذا مقام آیه ۷۶ مقام مدح است (طباطبایی، همان‌جا: ۲۳۷). به‌هر تقدیر، کلام در سیاق آیه بعدی در عبارت "لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ"، بزرگداشت امر قرآن است و می‌خواهد قرآن را تجلیل کند (همان‌جا: ۲۳۸).

• استدلال و تحدی بر منکران معاد با تأکید بر احاطه الهی در زمان احتضار (تنبیه)

در واپسین آهنگ سوره که در دسته آخر آیات از آیه ۸۳ تا پایان سوره جای می‌گیرد، هم‌چنان توبیخ و هشدار و تنبیه مشهود است. آیات ۸۳ تا پایان ۸۷، استفهام توبیخی در همراهی با برهان خُلف، خطاب به منکران معاد و بعث، مطرح است.

آیات ۸۶ و ۸۷، نیز تأکیدی مضاعف بر شدت این ترس و تحقیر در تقابل با عظمت خدا و برهانی بر نفی و ستیز با خودبزرگ‌بینی انسان مغرور است (سیدقطب، همان‌جا: ۱۷۴).

• تصویرگری سرنوشت اصناف سه‌گانه مردم در شرف مرگ (مدح و ذم)

روند قرآنی در انتهای سوره، به‌بیان سرانجام و سرنوشت این روح که به زندگی فانی پشت کرده و به زندگی باقی روی آورده و به‌سوی دادگاه الهی می‌رود، پرداخته و آن‌را در قالب مدح

است (طباطبایی، همان‌جا: ۲۱۵).

در آیات ۴۷ تا ۵۰، هم‌چنان این تهدید و انذار با طرح سخن منکران معاد و توجیحات باطل آن‌ها در قالب سؤال و جوابی ادامه دارد. با توجه به سیاق آیات ۵۱ تا ۵۵، با کاربرد دو صفت "ضالون" و "مکذَّبون"، بر شدت توبیخ و تهدید افزوده می‌شود. این شدت با ذکر اوصاف ناسیرایی، ناگواری و سوزاندگی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های مسمم‌کننده جهنمیان، با جنبه تأکیدی توبیخ این اصحاب شقی و نگون‌بخت، ادامه می‌یابد (طباطبایی، همان‌جا).

با استناد به‌واژه "نزلهم" در آیه ۵۶، که بیانگر نوعی استهزا و تحکم است، وعده نزول عذاب قیامت، به‌صورت نوعی پذیرایی [تحقیرآمیز و دردناک] همراه است (طباطبایی، همان‌جا: ۲۱۷).

• خطاب با منکران معاد و حسابرسی با برهان فطری و عقلی (گفتگوی توبیخی)

آیه ۵۷ تا پایان ۷۳ نیز جمله‌گی بیان توبیخی در همراهی با استفهام توبیخی و تأکیدی است. نحوه بیان مطالب این دسته آیات با شیوه و سبک ارائه برهان مطرح شده و این نوع استفهام، تشویقی به‌روش برهانی است که مستوجب تصدیق مسأله خالقیت (توحید افعالی) و معاد و ترک تکذیب یا انکار معاد است. این مرحله از سوره، دال بر ساخت‌وساز عقیده‌ای است که از تعابیر مستعمل در آیات بعدی مشهود است (سیدقطب، همان‌جا: ۱۶۴) براهین به‌طور خلاصه در دسته‌های زیر جای می‌گیرند:

(الف) استدلال بر خالقیت الهی در آفرینش اولیه انسان (آیات ۵۷-۵۹)

(ب) استدلال بر تقدیر الهی مرگ در مورد همه انسان‌ها (آیات ۶۰-۶۲)

(ج) استدلال بر قدرت و اراده الهی در مسأله زراعت و قوت انسان‌ها (آیات ۷۳-)

(د) استدلال بر سبب‌الأسباب بودن خداوند در آفرینش آب و تأثیر حیات‌بخش آن (آیات ۶۸-۷۰)

(ه) استدلال بر سبب‌الأسباب بودن خداوند در آفرینش نعمت آتش و تأثیرات آن (آیات ۷۱-۷۳)

این سوره، از تعبیرات فوق به‌گونه ظریفی بهره‌برده و روند آفرینش را در قالب رویدادهای روزمره انسان در عبارات مربوط به زراعت و آب و آتش، به‌طور محسوس و ملموس، مصور نموده که منجر به کوچ ذهن، فطرت و عقل به‌سمت پذیرش حقانیت می‌شود. لذا نوعی بیان تبشیر و شوق‌آمدن در این

توصیف می‌کند، این است که وحوش نیز در روز قیامت مانند انسان‌ها محشور می‌شوند (طباطبایی، همان‌جا: ۳۴۹).

تزیین نفوس در آیه ۷، با توجه به سیاق آیه هفتم سوره اذائیه الواقعة، به معنی جمع کردن ارواح واجساد و یا گروه‌بندی ارواح همانند گروه‌بندی آدمیان در لقاء ارواح هم‌جنس و هم‌تفکر، در قیامت تعبیر می‌شود (سیدقطب، همان‌جا: ۷۴۶).

متعلقات «اذا» در آیات مشهور این سوره شامل: پرسش درباره دختران زنده‌به‌گور شده در زمان جاهلیت در آیه ۸ و ۹، هنگامه گشودگی پرونده اعمال در واژه «نشرت» در آیه ۱۰ و کنده شدن آسمان در واژه «کشطت» در آیه ۱۱، همگی دال بر بیان هشدار و تنبه نسبت به حوادث وقوع قیامت و استقرار نظام حساب و کتاب است (طباطبایی، همان‌جا: ۳۵۰).

آیات ۸ و ۹، در اسلوب کلام، نوعی تعریض و توییح خطاب به قاتلان است. چراکه به عوض مسئول دانستن قاتلان دختران زنده‌به‌گور شده، به لحاظ مجاز عقلی، خود دختران را مسئول دانسته است! (طباطبایی، همان‌جا: ۳۵۱).

در آیات ۱۰ و ۱۱ تعابیر «نشرت» کنایه‌ای بر گشوده شدن و آشکار شدن و نه صرف پخش کردن؛ و «کشطت» به معنای قلع و کندن چیزی که به چیز دیگر سخت چسبیده و به‌عنوان کنایه‌ای برای کنده شدن از هر رسم عادی و طبیعی است که برای هشدار و انذار به کاررفته است (طباطبایی، همان‌جا: ۳۵۳). سیدقطب این آشکار شدن را، سیاق ترس و واهمه، شامل تصور برملا شدن باطن اعمال تعبیر می‌کند. چراکه کنده شدن آسمان، نوعی پرداخت ذهنی ترس را در تداعی نام «یوم تبلی السرائر» برای مخاطب ایجاد می‌کند که در گام‌های بعدی سوره، نمود بیشتری دارد (سیدقطب، همان‌جا: ۷۴۹).

با ادامه روند سوره در کاربرد لفظ «اذا»، آیه ۱۴، جواب ادای ظرفیه شرطیه در آیات قبل است که اعلام و تأکید بر حقانیت روز حسابرسی اعمال و نیت نفوسی است که نسبت به هر چه از پیش فرستاده آگاه است (طباطبایی، همان‌جا: ۳۵۲).

از آیات ۱۵ تا انتهای سوره، بیان هشدار و تأکید بر حقانیت قرآن که به‌طور خاص در آیات ۱۵ تا ۱۸ با بیان لطائف بلاغی، خصوصاً استعاره و مجاز، این جنبه تأکیدی، در قالب سوگندهایی بروز دارد: تأکید به ستارگان گردان و پنهان (آیات ۱۵ و ۱۶)، سوگند به شبانگهان (آیه ۱۷) و سوگند به صبح (آیه ۱۸) (طباطبایی، همان‌جا: ۳۵۴) این سوگندها که گنجینه بی‌نظیری از احساس شعور و ذوق مخاطب را با ذکر دگرگونی‌های زیبای جهان در قالب استعارات دلربایی به‌بازی

مقربین و اصحاب‌البمین و ذمّ اصحاب‌الشمال، به‌تصویر می‌کشد.

• التفات به مخاطب قراردادن پیامبر(ص) در امر به تسبیح الهی(ارشاد و تنبیه)

در آیه آخر (آیه ۹۶) به‌عنوان نتیجه کلی سوره، بیان تنبه ارشادی برای اهل حق به اوج خود رسیده است؛ چراکه با توجه به سیاق آیات، امر به تسبیح پروردگار عظیم را با تغییر التفات از غیاب به خطاب به سوی پیامبر (ص) و پیروان او همراه می‌کند که جملگی بیانات، ارشادی، تشویقی و تنبیهی است. این دگرگون کردن سیاق برای این بوده که در آیات مورد بحث بنای توییح آنان را داشته، و در توییح، خطاب، مؤکدتر از غیبت است، و گفتن این که شما چنین و چنانید مؤثرتر از گفتن ایشان چنین و چنانند است (طباطبایی، همان‌جا: ۲۲۸).

سراسر این سوره ضمن تأکید و بسط بر واقعه آغاز سوره، با دستوری در انتها پیوند خورده که هم‌چون یقینی ثابت و اطمینانی قاطع، آن‌را در قالب تسبیح و تعظیم و تقدیس خدا، می‌طلبد (سیدقطب، همان‌جا: ۱۷۴).

- نقش سیاق (قرائن پیوسته لفظی) در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاص سوره «تکویر»

از محتوای سوره بانوجه به روایات اسباب‌النزول، چنین به‌نظر می‌رسد که از سوره‌های قدیمی باشد که در اوایل بعثت نازل شده، هم‌چنان که در متن خود سوره شاهدهی بر این معنا دیده می‌شود، و آن این است که خدای تعالی رسول گرامیش را از آنچه که دشمنان اسلام در اوایل بعثت پیامبر را بدان متهم می‌کردند منزه می‌دارد (طباطبایی، همان‌جا، ۲۰ / ۳۸۴).

این سوره، شامل دو بخش با محتوای حقایق عقیدتی است: بخش نخست شامل حقیقت قیامت و دگرگونی‌های هول‌انگیز آن و بخش دوم، حقایق مربوط به وحی و متعلقات آن است (سیدقطب، همان‌جا: ۶ / ۷۴۳).

آیات ۱ تا ۱۴ سوره «تکویر»، دلالت بر هشدار و تنبه نسبت به حوادث وقوع قیامت دارد.

بیان اضداد در آیات ۱ تا ۵ سوره التکویر، با توصیف خفگی و تاریکی خورشید، سقوط ستارگان و لغزندگی کوه‌ها و رهایی شتران ماده و هراس هولناک وحوش در آن روز خاص، همراه است که جملگی این تعابیر خاص و دلربا بر تعجب و مدح و شگفتی نیز دلالت دارد (سیدقطب، همان‌جا: ۷۴۴).

علامه به سیاق این آیات اشاره دارد که ظاهر آیه ۵ از این جهت که در سیاق آیاتی قرار دارد که روز قیامت را

قالب تهدید و بیم پنهانی برای کافران است و آیات ۷ الی ۱۶ سوره، بخش سوم سوره مشتمل بر بیان تعلیلی است از دو جهت: اول بیان علت و دلیل انکار کافران و دوم تأکید بر علل کیفر کذابان و منکران روز جزا (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۷۵۶/۶).

آیه ۹، تأکیدی بر سیاق تهدید آیات قبل است؛ بنابر دو لفظ: نخست، کاربرد لفظ «کَلَّا» کلمه رَدَع و انکار و دوم، عبارت "و تَكْذِبُونَ بِالَّذِينَ" به جهت تأکید عدم بازگشت تکذیب کنندگان، به حقیقت (طباطبایی، همان جا: ۳۷۱)

آیات ۱۰ الی ۱۲ از آنجایی که از طریق یادآوری به صاحب عمل، بر نگارش دقیق اعمال توسط موکلان، تأکید کرده و صحنه می‌گذارد، لذا به قرینه آیه بعدی، شامل تهدید و تنبیهی دیگر است (همان جا: ۳۷۱).

علامه به صراحت به سیاق این آیات اشاره می‌کند. به اعتقاد او از سیاق افاده می‌شود که تنبه و هوشیاری، در عبارت «كِرَامًا كَاتِبِينَ» واقع در آیه ۱۱، تأکیدی بیشتر بر آیه پیشین، در همراهی حفاظت کتابت با کرامت و معصومیت فرشته‌ها (در علم به نیات درونی انسان‌ها) است. توصیف "کراماً کاتبین" یعنی توصیف ملائکه به کرامت در قرآن کریم مکرر آمده، و بعید نیست که با کمک این سیاق، مراد این است که فرشتگان به حسب خلقت موجوداتی مصون از گناه، معصیت و مفطور بر عصمت هستند (همان جا: ۳۷۱).

مؤید این مطلب در عبارت: «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» در آیه ۱۲ است. چراکه طبق روایات وارده "رقیب" از صفات ثبوتی الهی است (همان جا: ۳۷۲).

آیه ۱۳، شامل بیان تشبیر و آیه ۱۴، شامل بیان انذار است. به قرائن لفظی و با کاربرد لفظ "الفَجَّار" در مقابل "الأبرار" و عبارت "لفی حجیم" در مقابل "لفی نعیم" (استعمال به صورت نکره)، که بفهماند عظمت آن نعمت و هول و هراس آن دوزخ چیزی نیست که بتوان به آن پی برد (همانجا).

جملگی تأکیدات آیات ۱۵ الی ۱۹ مشتمل بر وصف انذار، ضمن تفصیل و تأکید فراوان در هر آیه، بر توصیف احوالات "الفَجَّار" در آیه قبل دلالت دارند: شامل:

در آیه ۱۵ درباره فَجَّار (تکذیب‌کنندگان روز جزا و ربوبیت الهی) عبارت "یصلونها" تأکیدی است در اشاره به کشانده-شدن تحمیلی و محقرانه فَجَّار به سوی دوزخ (همانجا).

لفظ "یوم الدین" در آیه ۱۷ و تکرار آیه به جهت تأکید در آیه بعدی، استفهام توبیخی است در آیه اولی و بیان توبیخی و تأکیدی است در آیه بعدی که هر دو آیه به تفهیم عدم احاطه

می‌گیرد، بیان تعجب و شگفتی و کنایه‌ای هستند (سیدقطب، همان جا: ۷۵۰-۷۵۱).

آیه ۱۹ تا پایان سوره، تأکیدی بر قرائن قبلی است که طبق سیاق آیات قبلی، برحقانیت نزول قرآن از جانب خدا و رفع شبهه اتهام جنون از ساحت پیامبر(ص) و عدم مداخله شیطان در نزول وحی به‌عنوان مؤیدی بر صداقت اخبار قرآن تأکید دارد (طباطبایی، همان جا: ۳۵۹).

علامه معتقد است که آیه ۲۹ به‌عنوان اختتامیه سوره به‌حسب آنچه سیاق افاده می‌کند به منزله دفع دخل و تصرف و پاسخ به سوالی است که آیا خدای تعالی محتاج استقامتی است که از ایشان خواسته؟ لذا این توهم را دفع نموده می‌فرماید: مشیت انسان‌ها وابسته و موقوف بر مشیت خدای سبحان است. لیکن درنهایت انسان‌ها به‌اراده خود فاعل فعل خویشند (طباطبایی، همان جا: ۳۶۱).

- نقش سیاق (قرائن پیوسته لفظی) در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاص سوره «إنفطار»

سراسر سوره «إنفطار» سرشار از انواع بیان وصفی تهدید و تنبیه و توبیخ است:

۴ آیه نخست سوره «إنفطار» شامل تنبه و هشدار نسبت به‌علامت‌های متصل به قیامت است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۵/۲۰).

آیه ۵ نیز علاوه بر بیان تنبیه و هشدار نسبت به برخی وقایع شامل: پاداش اعمال انسان‌ها و ...، به‌طور مستقل تأکیدی است براین که در آن روز به‌خصوص، حقایق آشکار می‌گردد به‌طوری که چیزی از نفس عمل، کم و نابود نمی‌شود؛ بلکه تمام اعمال حاضر خواهد بود (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۳۱/۲۶). آیات ۶ الی ۱۳، جملگی، تهدید و توبیخی مشتمل بر نوعی هشدار خاص هستند، شامل:

استفهام توبیخی در آیه ۶ که سرزنش منکران مغرور روز جزا و ربوبیت الهی است. توبیخ و عتاب و مذمت انسان کافر و ناسپاس، در برابر کرامت پروردگار کریم را با این پرسش، شدت بیشتری می‌بخشد. علامه صراحتاً می‌نویسد: «با اینکه سیاق آیه سیاق تهدید است، این جمله ربوبیت توأم با کرم خدا را بیان می‌کند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۹/۲۰).

باتوجه به لحن محتوای آیات ۷ تا ۱۲، این تهدید به‌عنوان اتمام حجت و تأکید تام، ادامه دارد و متضمن این حقیقت است که انسان عاقل، در برابر سوال آیه ۶ جوابی ندارد (همان جا: ۳۷۰).

آیات ۶ الی ۸، بخش دوم سوره شامل سرزنش و توبیخ در

در آیات ۱۱ و ۱۲، علاوه بر این که واژه "ثبور" لحن تهدید و انذار در موقف حسابرسی (پس از دادن نامه اعمال) را می-رساند؛ واژه "یصلی" نیز در قرینه لفظی به عنوان فعلی بعد از "سعیرا"، تعبیری از کشانده شدن و تصویری از داخل شدن همراه با پرتاب به آتش است که بر شدت تهدید و تحقیر مجرمان می افزاید (طباطبایی، همان جا: ۴۰۳). از سیاق مجموع آیات نه گانه فوق به دست می آید که دادن نامه اعمال و نشر آن، همه قبل از حساب انجام می شود (همان جا: ۴۰۴).

در لحن انذار و بیان تعلیلی در آیه ۱۳، استهزاء پنهان مستتر است، که بر میزان توهم ابلهانه و شادی باطل خشنودان مجرم در دنیا دلالت دارد (همان جا).

در آیات ۱۶ الی ۱۸ این سوره، خداوند با چند سوگند موجه و جواب سوگند، ابتدا جنبه تأکید و تهدید و سپس دلالت بر توبیخ مجرمان دارد. مطابق با: تعابیر مستعمل در آیه ۱۶، سوگند به سرخی شفق، در آیه ۱۷، سوگند به شب و در آیه ۱۸ سوگند به ماه که نورش مانند شب چهارده است (طباطبایی، همان جا: ۴۰۶-۴۰۷).

دلالت بر جواب قسم در آیه ۱۹ و ۲۰ همراهی تأکید بر تهدید و توبیخ مجرمان مشهود است. آیه ۱۹ ضمن اینکه جواب همه سوگندهای قبلی است (همان جا: ۴۰۷) به مراحل (طبقات) شامل تغییرات متعدد در مسیر ملاقات خدا اشاره می کند (سیدقطب، همان جا: ۷۹۵/۶).

آیه ۲۰، در قالب توبیخ استفهامی، به اعتقاد علامه، صراحتاً تأکیدی بر سیاق تهدید است که نتیجه تکذیب است. چراکه در ظاهر، جمله خبری و در باطن، جمله انشایی و تهدیدی است که در قالب استفهام توبیخی بیان شده است (طباطبایی، همان جا: ۴۰۷).

از آیه ۲۱ تا آیه ۲۴، ادامه مذمت مجرمان تکذیب کننده است که در مقابل تلاوت قرآن تسلی و سازش ندارند؛ لذا بیان انذار و مذمت در آیات ۲۱ و ۲۲ به ترتیب در عبارات "لایسجدون" و "یکذبون" بر این توبیخ و تهدید، انطباق دارد. آیه ۲۳ با انذار بر علم ازلی و ابدی خدا دلالت می کند. لیکن در آیه ۲۴، انذار و تهدید مستتر است؛ چراکه در ظاهر، تبشیر و در باطن، انذار است. شاهد مثال در واژه "بشهرهم" است که تبشیری از باب تهکم و استهزاء است. لذا در بشارت به این عذاب دردناک، قطعاً اندازی واضح نهفته است (همان جا: ۴۰۸).

تبشیر آشکار در آخرین آیه، با استثنای منفصل «آل»، تمایز صف مؤمنان از منکران روز جزا، بر اجری لاینقطع و

کامل فهم انسان به درک عظمت آن روز و بر میزان حقارت انسان، تأکید دارند (همان جا: ۳۷۳).

در آیه ۱۹، پاسخ این تهدیدات و انذارات و نتیجه آن به شکلی بلاغی مشهود است که مطابق تعبیر تأکیدی آخر در قطع تمام اسباب دنیوی و قاطعیت دستور خدا، مالکیت امور در دنیا و عقبی صرفاً مخصوص خداست (همان جا: ۳۷۴).

هرچند این سوره مانند سوره «تکویر» دگرگونی های قیامت را با سیاق بیم و تهدید همراه می کند، لیکن چکیده وار از جنس ملامت و سرزنشی آرام تر و قدری کندتر از سوره التکویر در تلنگرهایش، بهره برده؛ به طوری که گویی انسان، از قبل می داند که چه پیش فرستاده است (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۷۵۵/۶).

– نقش سیاق (قرائن پیوسته لفظی) در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاص سوره «انشقاق»

از آنجایی که آیات تهدیدی این سوره، از آیات بشارتش بیشتر است. سیاق آیات آن شهادت می دهد که این سوره در مکه نازل شده است (طباطبایی، همان جا: ۴۰۰/۲۰).

پنج آیه اول، شامل هشدار و انذار در بیان مقدمات قیامت است (همان جا: ۳۹۹/۲۰).

در آیه ۶، در عبارت "كَذَّبًا فَمَلَأْتِيهِ" ملاقات با پروردگار شامل لحنی تأکیدی تنهیی است بر منتهی شدن حرکت همه انسان ها به سوی خداوند بدون هیچ مانعی (همان جا: ۴۰۱). نوعی امید پنهان در ندای "يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ" مستتر است، که با امید به لقاء پروردگار، به زودی به پایان این راه دشوار خواهند رسید (سیدقطب، همان جا: ۷۹۱).

آیات ۷ الی ۹، شامل بیان تبشیر است؛ واژه "کتاب" در این آیه به قرینه واژه "یمینه" دلالت بر نامه اعمال مؤمنان دارد؛ چراکه نامه اعمالشان در دست راست است (طباطبایی، همان جا: ۴۰۲).

نیز عبارت "حساباً یسرا" در آیه ۸ در قرینه لفظی با واژه "مسرورا" در آیه ۹، دلالت بر تبشیر دارد که اولی، بیانگر بشارت تفصیل حسابرسی مؤمنان و دومی، حکایت بشارت فرح مؤمنان بوده و کنایه ای است برای تصویرسازی حال کسی که رهایی یافته است. (سیدقطب، همان جا: ۷۹۱).

آیات ۱۰ الی ۱۵، مشتمل بر انذار و توبیخ است. آیه ۱۰، با تفصیل نامه اعمال مجرمان در نقطه مقابل مؤمنان در کاربرد عبارت "وراء ظهره" با وصف دریافت نامه از پشت سر، دلالت بر توبیخ و تهدید و تحقیر مجرمان دارد (طباطبایی، همان جا: ۴۰۵).

در اینکه معنای خبر دادن زمین به وسیله وحی از حوادثی که در آن واقع شده چیست؟ این آیات بیان اعلام و تنبیه از شهادت دادن زمین نسبت به اعمال انسان، علاوه بر شهادت اعضا و ملائکه و کاتبان اعمال است، از سیاق کلام خدای سبحان به دست می‌آید که حیات و شعور در تمامی موجودات جاری است، هر چند که ما از نحوه حیات آن‌ها بی‌خبر باشیم (طباطبایی، همان‌جا: ۵۸۲/۲۰).

در آیه ۵، با استناد به قرینه «لام» در «لها» (به معنای الی و به سوی) جمله متعدی است: یک تعبیر استعاره‌ای مشهود است که زمین را دارای شعور معرفی می‌کند و یک سیاق انذار حقیقی از شهادت زمین در روزی است که به او برای این شهادت اذن داده شود. این آیه جواب دوم «اذا» نیز هست، همان‌طور که آیه ۴ و آیه ۶ با استناد به «لِیُرَوُّاْ اَعْمَالَهُمْ» جواب اول اذاهستند سیاق این عبارت، دلالت بر اعلام و هشدار و تنبیه نسبت به موقف عظیم حسابرسی روز قیامت به نظر می‌رسد (طباطبایی، همان‌جا: ۵۸۲).

دو آیه آخر و مهم این سوره، در سیاق با آیات دیگر قرآن به نظر دارای منافات است. چراکه در قرآن آیاتی هست که با ضابطه کلی در این دو آیه سازگار نیست. لیکن علامه معتقد است که در سیاق با آن آیات، کماکان بیان این دو آیه تشریح و انذار است. آیه ۷، علاوه بر بشارت، به دلیل حرف «فاء» بر سر آیه، تفریح و نتیجه‌گیری از آیه قبلی را می‌رساند؛ تأکید آشکار این دو آیه در سیاق بقیه آیات قرآن و با بحث «حیط و تکفیر» و انتقال حسنات و سیئات منافاتی ندارد (طباطبایی، همان‌جا: ۵۸۴).

نتیجه‌گیری

پنج سوره «واقع، تکویر، انفطار، إنشقاق، زلزله» که به علت مطلع مشترک «اذا»ی ظرفیه شرطیه و محتوای ناظر بر روز رستاخیز، به سوره اذاتیه اخروی مشهورند، مجموعه سوره قرآنی هستند که تحلیل محتوایی آن‌ها، به اثبات تناسب آیات هر یک از سوره اذاتیه دارای فواید مشترک و فهم وجه ارتباط معنایی آیات منتج می‌شود.

هر پنج سوره از حیث ابعاد تحلیل معنایی و محتوایی دارای ساختار مشترکی در مطلع آیه آغازین با اذاه، جواب شرط قطعی الوقوع، مطابقت مفهومی و مصداقی برخی واژگان مشترک و هماهنگی مضامین هر سوره با اهداف آن هستند. تمام توصیفاتی که پس از کلمه «اذا»ی ظرفیه شرطیه در این پنج سوره وجود دارد، گاه کاملاً در انطباق، تکامل و نزدیک به

بی‌نهایت در عبارت "لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرٌ مَّمْنُونٍ" است (همان‌جا: ۴۰۸).

با بررسی سیاق آیات، مشاهده می‌شود: سراسر این سوره که با لحن آرام‌تر نسب به سوره «تکویر» همراه با لهجه بینش‌بخش به قیامت اشاره دارد، جنبه انذار بر تبتشیر، غالب است (سیدقطب، همان‌جا: ۷۸۸/۶).

- نقش سیاق (قرائن پیوسته لفظی) در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاص سوره «زلزال»

محتوای همه آیات سوره «الزلزال»، شامل اعلام و هشدار نسبت به برخی علائم هنگامه قیامت و نیز نسبت به حسابرسی مردم در آن روز است.

در دو آیه اول که شامل خبر زلزله شدید آخرالزمان است، کاربرد واژه «زلزال» به شکل مصدر بر وزن فعلان، دلالت بر تکان خوردن پی‌درپی و نوسان شدید داشته، ترس و انذار را می‌رساند که کنایه از عظمت و اهمیت این زلزله خاص و در شرف وقوع است. شدت این ترس و انذار در آیه دوم در بیرون ریختن همه درون زمین متجلی شده، بطوری که علاوه بر خروج بارهای سنگین و با استناد به بیان وصفی تهدید و انذار در آیه ۶ در شاهد مثال «یصدر الناس»، مصداق خروج «أنتقال» در آیه دوم، خروج همه انسان‌ها برای حسابرسی نهایی برداشت می‌شود. یعنی در ظاهر، خروج اجسام و ابدان به‌عنوان بیان وصفی ترس و تعجب و هشدار و در باطن، خروج انسان‌ها باهدف تهدید و انذار جهت حساب و کتاب و توبیخ (طباطبایی، همان‌جا: ۵۸۱/۲۰).

سیاق در عبارت "لِیُرَوُّاْ اَعْمَالَهُمْ" افاده توبیخ و ترس می‌کند؛ چراکه دیدن حقیقت اعمال از سخت‌ترین و ناگوارترین موقف‌های پیش روی انسان است (سیدقطب، همان‌جا: ۹۲۹/۶).

در آیه ۳، اعلام هشدار و تنبیه در قالب استفهامی توأم با حالت دهشت و ترس و تعجب کاملاً مشهود است. این آیه اشاره دارد که انسان‌ها بعد از بیرون شدن از خاک در حال دهشت‌زدگی و تعجب از آن زلزله شدید زمین از یکدیگر می‌پرسند: "ما للارض؟" چراکه مرجع ضمیر «ها» به «ارض» برمی‌گردد (طباطبایی، همان‌جا: ۵۸۲/۲۰). این ترس برای مجرمان از آن جایی که به معاد ایمان نداشته و منتظرش نبوده‌اند شدیدتر است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۲۶/۱۰).

آیات ۴ و ۵ در ادامه لحن تهدید، بیانگر جواب اذای ظرفیه شرطیه در آیه اول است که شاهد مثال آن واژه "تحدّث" است. در بین مفسرین اختلاف شدیدی به‌راه افتاده

سوره مرتبط است و دلالت بر اعلام و توبیخ و تهدید و انذار و تنبه منکران معاد و قیامت و حسابرسی روز جزا و قطعیت در وقوع قیامت و روز جزا دارند که دلالت بر ارتباط معنایی، مفهومی، مصداقی و مضمونی کامل این پنج سوره، در راستای تکمیل مفاهیم و معانی یکدیگر است.

یکدیگر هستند و گاه تفاوت‌های جزئی مضمونی دارند. توجه به قرائن مختلف سیاق در بررسی کارکرد سیاق با تکیه بر قرائن پیوسته لفظی به‌عنوان قوی‌ترین دلالت‌های قابل قبول نزد مفسران در تحلیل معنایی سور قرآنی به‌منظور تفسیر و تبیین مراتبی از فهم آیات حاکی از آن است که آیات اولیه در سور اذائیه، معنایی را افاده می‌کند که با دیگر آیات آن

منابع

- ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر والتنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن قیم جوزیه، شمس الدین محمد (۱۹۹۴م)، *بدائع الفوائد*، تحقیق بشیر محمدعیون، بیروت، دارالبیان.
- ابولفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱ش)، *روض الجنان*، و *روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ایزدی مبارکه، کامران (۱۳۷۶ش)، *شروط و آداب تفسیر و مفسر*، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بابایی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۱ش)، *مکاتب تفسیری*، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سیدهاشم‌بن سلیمان (۱۳۸۹ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مترجم: رضا ناظمیان و دیگران، مستندساز: ابوالحسن عاملی نباطی فتونی، محقق: بنیاد بعثت، قم، نشر مؤسسه‌البعثه.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۲۷ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- دروزه، محمدعزه (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸ش)، *تفسیر قرآن مهر*، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زحیلی، وهبه‌بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل*، مترجم: مسعود انصاری، بیروت، دارالکتب العربی.
- سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، قاهره، نشر دارالشروق.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۳۶۳ش)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۶ق)، *تناسق الدرر فی تناسب السور*، محقق: عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۹۷۸م)، *دروس فی علم الأصول*، بیروت، دارالکتب البینانی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مصحح: محمدباقر موسوی، مشهد، نشرالمرتضی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، محقق: رسول محلاتی، بیروت، دارالمعرفه.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۴۴ش)، *تفسیر الطبری*، ترجمه و تصحیح: حبیب یغمایی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- عوآ، سلوی محمد (۱۳۸۲ش)، *وجوه و نظائر در قرآن کریم*، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد، (به نشر)
- قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، محقق و مصحح: جمعی از نویسندگان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰ش)، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.